گزارش

مهسا گربندی

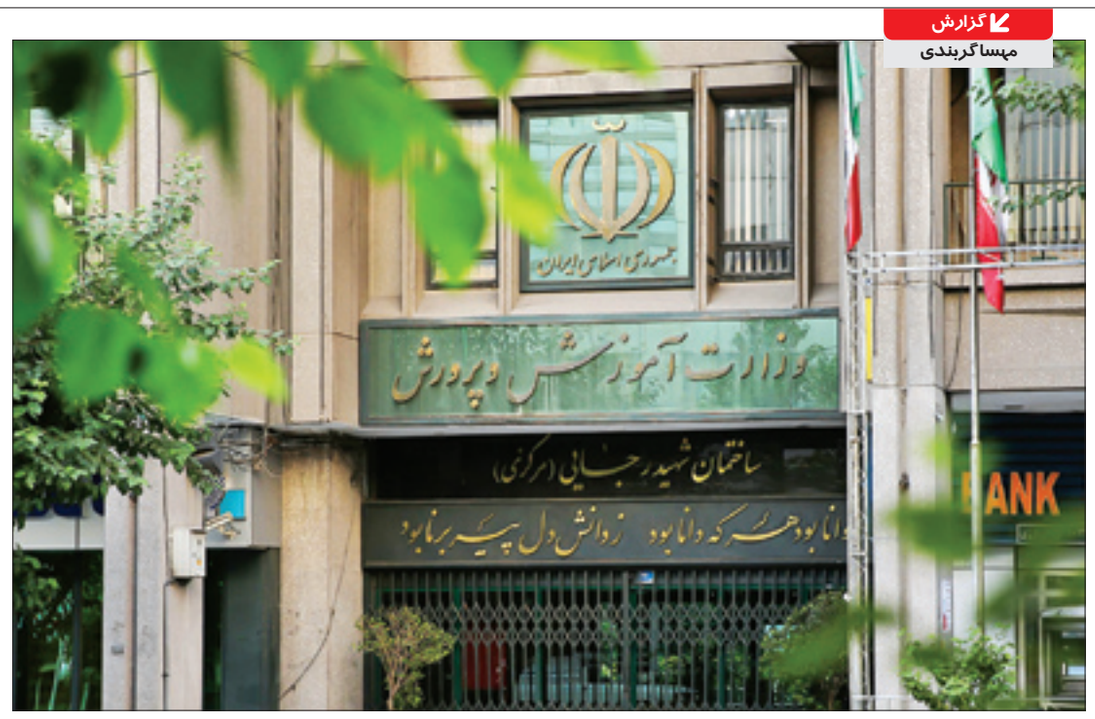

گزارش «جوان» از تأیید یک‌باره گزینش ۷ هزار نفری معلمان ردصلاحیت شده

ابهام بزرگ ۷ هزار نفری

معاون پیشین وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «جوان»:
مگر می‌شود دردولت قبل یک‌دفعه ۷هزار معلم به نادرستی رد شده باشند و حالا در این دولت آنها را در این شغل گزینش کنند. باید دقت کنیم که با تغییر دولت‌ها دچار جوزدگی نشویم!

۱۵ هزار معلمی که نتوانسته بودند صلاحیت‌های لازم را کسب کنند، حال اما در عرض مدتی کوتاه، حداقل نیمی از آنها گزینش شدند، آن هم بدون هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای! مدیر کل گزینش وزارت آموزش و پرورش مدعی است معلمان رد شده حق اعتراض داشتند و در بررسی‌های مجدد توانسته‌اند صلاحیت‌های لازم را کسب کنند، اما چطور ممکن است چیزی حدود ۷ هزار معلم بدون دلیل کافی رد شده‌باشند (چراکه با بررسی دوباره صلاحیت آنها محرز شده). بدون شک هیچ کاری بدون عیب و ایراد نیست و عجیب نیست، اگر صلاحیت تعداد کمی از داوطلبان شغل معلمی به شکل نادرستی، از زیر دست بررسی‌کننده‌ها در رفته و رد شده باشند، اما تأیید صلاحیت حداقل ۷ هزار معلمی که همین چند ماه پیش رد شده بودند، به هیچ عنوان قانع‌کننده نیست. آمار بسیار بالاست و نمی‌توان پذیرفت که بررسی‌کنندگان تا این اندازه اشتباه کرده باشند. همین مسئله باعث ایجاد ابهامات زیادی می‌شود، اینکه مبادا کمبود معلم مسئولان را بر آن داشته باشد تا صلاحیت نیمی از آنها که دست رد به سینه‌شان زده شده‌بود، تأیید شوند. آیا اگر بحث کمبود معلم در میان نبود باز هم تأیید معلمان رد شده انجام می‌شد یا اینکه آنها باید همچنان خانه‌نشین می‌بودند. تردیدی نیست که باید گزینش معلمی به شکل سفت و سختی انجام شود. آنها نه فقط با روح و روان فرزندان ما در ارتباط هستند که قرار است آینده‌سازان مملکت را تربیت کنند. پس نباید هیچ مماشاتی در انتخاب آنها داشت و باید بهترین‌ها را برگزید.

■■■

صحبت از یک یا دو معلم نیست، حتی ۱۰ نفر یا ۲۰ نفر هم نه! صحبت از ۷ هزار معلمی است که در گزینش رد شده‌بودند، اما یک مرتبه در دولت چهاردهم، همه‌شان تأیید شدند! معلمانی که وظیفه تعلیم و تربیت آینده‌سازان این مرز و بوم را بر عهده دارند و باید با حساسیت و دقت بالایی به این شغل وارد شوند، اما معلوم نیست چه اتفاقی افتاده که آقایان تصمیم گرفتند، کلاس‌های درس را به معلمان رد شده، بسپارند. مگر موضوع گزینش معلمان و صلاحیت‌های آنها می‌تواند با آمدن این دولت و آن دولت، تحت‌تأثیر قرار گیرد و آنهایی که یک روز رد شده‌بودند، مجدد به کلاس‌های درس فرستاده شوند؟! این اقدام اما عمده کارشناسان تعلیم و تربیت را نگران کرده‌است. آنها معتقدند این تصمیم عواقب جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد، چراکه معلمی، شغلی به شدت مهم و حساس است و افراد داوطلب برای ورود به این شغل باید با معیارهای تعیین شده و مشخصی گزینش شوند. بدون شک دودا این بی‌توجهی نسبت به معیارهای تعیین‌شده برای گزینش معلمان به چشم دانش‌آموزان، خانواده و به طور کلی جامعه خواهد رفت.

■ ضایع شدن حق معلم یا دانش‌آموز؟!

روز گذشته علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش از تأیید صلاحیت ۷هزار نفر از کسانی که در گزینش معلمی رد شده بودند، خبر داد. او با بیان اینکه «پرونده گزینش تمام کسانی که به نتیجه گزینش خود معترض بودند، در حال بررسی مجدد است و تاکنون بیش از ۱۵هزار پرونده مورد بررسی قرار گرفته است» اظهار داشت: «از ۱۵هزار پرونده مورد بررسی، تاکنون صلاحیت ۷هزار نفر تأیید شده‌است و پیش‌بینی می‌شود در ادامه بررسی‌ها تعداد تأیید صلاحیت‌شده‌ها افزایش یابد.»

کاظمی با تأکید بر اینکه زمینه جذب این افراد در حال فراهم شدن است، ادامه داد: «در حال بررسی هستیم که اگر ردیف استخدامی از قبل وجود داشته باشد، از آن استفاده کنیم و در غیر این صورت در ردیف استخدامی سال آینده این افراد جذب خواهند شد.»

بازنگری در پرونده داوطلبان رد شده در گزینش معلمی در هفته نخستی که علیرضا کاظمی سکان هدایت وزارت آموزش و پرورش را بر عهده گرفت، مطرح شد؛ او درباره پذیرفته‌شدگان آزمون‌های استخدامی معلمان که با مشکل کد ۱۹ روبه‌رو شده‌اند، گفت: «بنا شد طبق ضوابط و قوانین همکاران گزینش به اعتراض‌ها رسیدگی کنند و اطمینان می‌دهم که پس از بررسی، حقی از کسی ضایع نشود.» این خوب است که وزارت آموزش و پرورش تمام تلاشش را انجام می‌دهد تا مبادا حق معلمان ضایع شود، اما آیا به کارگیری معلمانی که چند ماه قبل رد شده بودند، حق دانش‌آموزان را ضایع نمی‌کند؟ اگر این معلمان پیش‌تر نتوانسته بودند صلاحیت‌های کافی را کسب کنند، حال چه اتفاقی افتاده که مجوز ورودشان به کلاس‌های درس صادر می‌شود؟!

■ مسئله کمبود معلم است!

همچنین محمدجعفر قائم پناه، مسئول اداره امور گزینش کشور در یک نشست خبری اعلام کرد: «برای آموزگاری در ۱۴۰۳ در استخدام آموزش و پرورش ۶۳۶هزار نفر شرکت کردند؛ ظرفیت برای جذب ۲۸هزار نفر بوده‌است، اما ۷۲ هزار نفر از این میان به آموزش و پرورش معرفی می‌شوند. در مرحله اول ۲۱ هزار نفر از این میان تأیید و بیش از ۴۴ هزار نفر رد می‌شوند که عدد قابل‌توجهی است.»

مسئول اداره گزینش کشور اظهار داشت: «۶۰ درصد امتیاز کسانی که در این میان تأیید شده‌اند از مصاحبه و بقیه آن امتیاز علمی است، در حالی که باید نسبت، عکس این باشد.» او ادامه داد: «در آزمون دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی ظرفیت ۳۲ هزار نفری داشتیم که ۶۶۰ هزار نفر شرکت کردند و ما فقط ۲۸ هزار نفر را قبول کردیم. ۵ هزار نفر ظرفیت دانشگاه را که می‌توانستیم از همین دانشگاه‌ها تربیت کنیم، تربیت نکردیم و همین باعث مشکلات جدی در آموزش و پرورش شده و کلاس‌ها بدون معلم مانده‌اند تا در نهایت مجبور به استفاده از بازنشستگان شدیم.»

قائم‌پناه گفت: «دولت آقای پزشکیان درصدد این است هم مشکل آموزش و پرورش را در این زمینه حل کند و هم یک تجدیدنظر جدی در زمینه گزینش داشته باشد. این به معنای اینکه خدای نکرده ما از افراد ضدانقلاب کسانی را استخدام کنیم، نیست، بلکه از همین مردم خوب و جوانان تحصیلکرده کشور خود استفاده می‌کنیم.»

■ دلایل رد صلاحیت در گزینش معلمان

شنبه هفته گذشته نیز رضا روستایی، مدیر کل گزینش وزارت آموزش و پرورش، درباره وضعیت بررسی پرونده‌های رد شده در گزینش آزمون استخدامی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ گفت: «ما بر اساس قانون گزینش و آیین‌نامه‌های هیئت عالی گزینش عمل می‌کنیم. برخی داوطلبان آزمون استخدام آموزگار و دبیر (کد ۱۹) و داوطلبان دانشگاه فرهنگیان (کد ۵) که اعتراض خود را به نتیجه گزینش ثبت کرده‌اند، برای بررسی مجدد در دستور کار قرار دارند.»

اما روستایی در این رابطه به معیارهای گزینش اشاره کرد و گفت: «رد شدن در گزینش دلایل مختلفی دارد که همگی بر اساس قانون و معیارهای خاص و عمومی انتخاب اصلح است. ممکن است فردی به دلیل کسب نکردن امتیاز انتخاب اصلح رد شود. معیارهای انتخاب اصلح شامل این موارد است؛ موضع‌گیری نسبت به ولایت‌فقیه، میزان تقید به رعایت پوشش اسلامی، شرکت در نماز جماعت، نماز جمعه، راهپیمایی‌ها و انتخابات، فعالیت در بسیج و نهادهای انقلاب، داشتن دوستان مناسب و همچنین فعالیت‌های مذهبی.»

مدیر کل گزینش تصریح کرد: «ما موظف به ارزیابی افراد در چارچوب قانون هستیم و هیئت عالی گزینش برای کاهش نارضایتی‌ها همکاری می‌کند. تلاش ما این است که حقی از هیچ فردی ضایع نشود و تمام پرونده‌ها با دقت بررسی شوند.»

سؤال‌برانگیز و عجیب است؛ توضیحات مسئول گزینش وزارت آموزش و پرورش برای بررسی مجدد جهت عدم ضایع شدن حق معلمان نمی‌تواند افکار عمومی را قانع کند. عمده نگرانی‌ها بابت این است که مبادا آقایان جای درست کردن ابرو، چشمش را هم کور کنند.

■ لزوم گزینش دقیق و پایش مستمر

در همین رابطه ابراهیم سحرخیز، معاون پیشین وزارت آموزش و پرورش به «جوان» گفت: «مگر می‌شود یک دفعه ۷ هزار معلم به نادرستی رد شده باشند و آنها را در این شغل گزینش کنند. باید دقت کنیم که با تغییر دولت‌ها دچار جوزدگی نشویم! باید در گزینش معلمان ضمن توجه به احراز شایستگی‌ها و صلاحیت از افراط و تفریط پرهیز شود و امانت را به اهلش واگذار کرد.»

او ادامه می‌دهد: «اگر قرار است تغییری در نحوه گزینش معلمان ایجاد شود، این وظیفه دولت نیست، باید برای آن قانون‌گذاری شود. ما در منشور دانشگاه فرهنگیان و در سند تحول بنیادین ملاک‌ها و معیارهای گزینش معلمان را به صورت مشخص داریم. معلمان باید صلاحیت اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی داشته باشند و زمان گزینش آنها این ۴ مورد باید بررسی شود.»

سحرخیز به ضرورت گزینش دقیق و پایش مستمر معلمان اشاره می‌کند و می‌گوید: «مقام معظم رهبری در ارتباط با جایگاه، کرامت و صلاحیت شغل معلمی به نکته مهمی اشاره کردند و فرمودند: «شایستگی‌های حرفه‌ای معلم و شایستگی‌های عمومی معلم هم در طول خدمت باید رصد بشود؛ یعنی صرفاً [رصد] اول کار اهمیت ندارد؛ اول کار اهمیت دارد، لکن ادامه هم اهمیت دارد و راهش این است که ضوابط گزینش کم‌رنگ نشود؛ خب یک مقداری سختی‌هایی دارد، گزینش‌های در چارچوب ضوابط یک مقدار سخت است، [اما] نگذارند این سختی موجب بشود که این ضوابط کم‌رنگ بشود.» بنابراین ما باید گزینش و پایش دقیق و مستمر در رابطه با معلمان داشته باشیم. این مورد هم در سند تحول بنیادین آمده و هم در سیاست‌های کلی بدان اشاره شده‌است.»

او اظهار می‌دارد: «تعلیم و تربیت رسمی، موضوعی حساس و بسیار مهم است و معلم در تمام مؤلفه‌های تعلیم و تربیت نقش اول و به شدت اثرگذاری را دارد. به رغم اینکه ما مدرسه مجازی و آموزش دیجیتال داریم و سایر کمک‌های آموزشی جدید نیز در صحنه وارد شده‌اند و رقبای جدی معلمان محسوب می‌شوند، اما با این حال، این معلم است که همچنان در نظام آموزشی کشور حرف اول و آخر را می‌زند. نه در ایران بلکه در تمام نظام‌های آموزشی جهان. حال آیا ایجاب نمی‌کند این فرد که اینقدر اهمیت دارد و جایگاهش خطیر است در استخدام و جذب او بررسی‌های دقیق و لازم صورت بگیرد؟!»

سلامت

بازی دولتی‌ها با اعداد علیه جوانی جمعیت

ادامه از صفحه اول

رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور افزود: یکی از بدیهی‌ترین ملاک‌های علمی در علم جمعیت‌شناسی تمییز بین اعداد مطلق و اعداد نسبی است، اساساً برای مقایسه زمانی و مکانی داده‌های جمعیتی از اعداد نسبی استفاده می‌شود نه اعداد خام یا مطلق، تعداد موالید یک عدد مطلق است که با استفاده از آن در مورد تغییرات شاخص‌های جمعیتی نمی‌توان اظهار نظر کرد، لذا بایستی از ارقام نسبی استفاده کرد.

محمودی گفت: بر اساس مطالعات انجام شده در مقیاس بین‌المللی، مناسب‌ترین شاخص برای نشان دادن وضعیت زاد و ولد در یک کشور، نرخ باروری کل است که می‌تواند مبنایی برای مقایسه بین کشورها باشد و به‌طور معمول هم بر این اساس عمل می‌شود.

وی ادامه داد: نرخ باروری که از تقسیم تعداد تولدها بر تعداد زنان در سنین باروری به دست می‌آید، در واقع وضعیت باروری زنان در سنین باروری جامعه را بررسی کرده و مشخص می‌کند که به ازای هر زن در سن باروری چند فرزند در سنوات باروری متولد شده است.

رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با بیان اینکه آمار خام اعم از ولادت، ازدواج و طلاق در تحلیل‌های جمعیتی کاربرد ندارد، تأکید کرد: بررسی میزان باروری عمومی برای گروه‌های سنی زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله و میزان باروری کل طی دوره ۱۴۰۲- ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که میزان باروری عمومی از سال ۱۴۰۱ به بعد نه تنها تثبیت شده، بلکه مقدار اندکی افزایش داشته است.

■ توقف روند کاهشی نرخ باروری

محمودی اظهار داشت: نرخ باروری کل پس از هفت سال که کاهش حدود ۲۰ درصدی داشت، بنابر اعلام رسمی سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ ثابت مانده است.

رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با تأکید بر اینکه نرخ باروری در ۱۵ استان کشور نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و در سه استان بدون کاهش بوده است، گفت: این نتیجه هرچند تا زمانی که نرخ باروری کل حالت افزایشی به خود نگیرد، نمی‌تواند به ساختار جمعیتی ما کمک شایانی کند، ولی نسبت به قبل دستاورد ولو اندکی محسوب می‌شود.

وی تأکید کرد: در خصوص ارزیابی اثربخشی سیاست‌های جمعیتی بر سطح باروری کل، باید گفت که تثبیت یا جلوگیری از کاهش بیشتر باروری کل، به عنوان اثر مثبت قانون تلقی می‌شود.

رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: بخش قابل توجهی از آنچه در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت آمده، هرچند ممکن است انتقادات موجهی نیز به آن وارد باشد، ولی برگرفته از تجربیات سایر کشورها با در نظر گرفتن اقتضائات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بوده است.

گفتنی است قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت شامل ۷۳ ماده و ۸۱ تبصره مهر ۱۴۰۰ در کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب شد. پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

گفت‌وگو

سجاد آذری

عضو اداره نظارت کانون وکلای دادگستری مرکز در گفت‌وگو با «جوان»:

گدای رأی در تونل وحشت، لایق ریاست بر کانون وکلا نیست!

شهاب افشار اردبیلی: اگر بروم در جایی که مانند تونل وحشت درست کرده‌اند گدایی رأی کنم، آیا اصلاً و اصالتاً من لیاقت و صلاحیت اسم وکیل را دارم تا چه رسد به اینکه ادعای ریاست کانون را هم داشته باشم؟!

با وجود ابطال سی و سومین دوره انتخابات هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز ولی حواشی مربوط به آن به پایان نرسیده و برخی از متخلفان و همکاران آنها که موجب ابطال این دوره از انتخابات شده‌اند، تمام ظرفیت خود را در ارتباطات داخلی و رسانه‌های بیگانه خارجی را به کار گرفته‌اند تا به هر شکل شده نگذارند اسم متخلفان از نامزدهای انتخابات خط بخورد. در گفت‌وگوی «جوان» با شهاب افشار اردبیلی، عضو اداره نظارت کانون وکلای دادگستری مرکز تخلفات انجام شده و حواشی مربوط به این انتخابات بررسی شده‌است.

■■■

نظر شما درباره موضوع استقلال کانون وکلا که اخیراً بعد از ابطال انتخابات سی و سومین دوره هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز خیلی مطرح می‌شود، چیست؟

یک اعتقادی وجود دارد که کانون باید مستقل باشد و البته ما نیز همین اعتقاد را داریم ولی مستقل از چی، کی و به چه شکل. بعضی‌ها استقلال کانون را به معنای مخالفت با حاکمیت و حکومت گرفته‌اند، خب اگر استقلال چنین تعریفی شود باید بروند در چارچوب خودش صحبت کنند ولی اگر استقلال یعنی اینکه وکیل در دفاع از موکل خود مستقل باشد، این یک بحث دیگری است و اینکه اصلاً چرا این استقلال به وجود آمده مشخص است. اتفاقاً باید وکلا و کانون وکلا به حاکمیت چسبیده باشند و از قدرت حاکمیت برای ترویج عدالت استفاده کنند.

خب اصلاً الان چه اتفاقی در انتخابات کانون وکلای مرکز افتاده‌است؟

ما یک خانواده هستیم و اتفاقاتی در این خانواده اتفاق افتاده است. هر چند اینکه اتفاقی افتاده واقعی است، ولی من با آن فردی که رفته و این شکایت را انجام داده که البته اسمش هم مشخص است، مخالفم؛ با اینکه خبر خانه را به بیرون از خانه برده مخالف هستم. دلیل مخالفتم هم این است که هر چند این اتفاق افتاده ولی اگر فردی از داخل خانواده نمی‌رفت و این شکایت را مطرح نمی‌کرد شاید آن نهادی که این رأی را صادر کرده به هر علتی چشمش را می‌بست و این انتخابات هم تأیید می‌شد، ولی چه این مسئله را قبول داشته باشم و چه قبول نداشته باشم این فرد رفته کاری را انجام داده که هر چند غیرقانونی نیست، ولی انتخابات نهاد وکالت را زیر سؤال برده و این کار غیراخلاقی است.

اصلاً ما قبول می‌کنیم این شکایتی که انجام شده غیراخلاقی است ولی آیا افترا بسته یا این اتفاق افتاده و عده‌ای که در کانون وکلا ادعای ریاست بر کانون را دارند، تخلف انتخاباتی کرده‌اند؟

من خودم جزو آن ۱۲۵ نفر نامزد انتخابات هستم. ما مدعی هستیم که کانون وکلا قرار است در جامعه جمعیت پیش رو و لیدر باشد، حالا افرادی را هم داریم که مدعی هستند می‌توانند لیدر این جامعه الیت باشند، در این شرایط بحث این است که آیا این افراد اتفاقاتی که در دادنامه قوه قضائیه آمده را انجام داده‌اند یا نه. بالاخره این بعضی‌ها که ادعای لیدری این جامعه الیت را دارند در دوره‌های گذشته به عنوان رئیس، نایب رئیس، معاون و مانند اینها در هیئت‌مدیره کانون حضور داشتند.

یک مطلب این است که آیا اینها آن تونل را ایجاد کرده بودند که هر کسی که می‌خواست برود رأی بدهد باید از وسط اینها رد می‌شد و اینها کاغذ می‌دادند که به من یا فلانی رأی بده یا نه. آیا این کارها را در این مورد و مواردی قبلی انجام می‌دادند یا انجام نمی‌دادند. مطلب دیگر این است که آیا این کارها مخالف قانون است یا نیست. اصلاً تصور کنید که ما قانونی در خصوص انتخابات نداریم و فرض کنید افراد مجاز هستند در روز انتخابات نیز تبلیغات انجام دهند، ولی آیا شأن وکیل این است به روشی که زشت‌ترین نوع دعوت و تبلیغ برای دعوت به رأی دادن است- و شاید باید اسمش را گدایی رأی گذاشت، وکیلی که مدعی ریاست بر وکلاست- باید به خودش اجازه دهد سطح خودش را اینقدر پایین بیاورد که چنین رفتاری کند.

اینها همه فارغ از رأی است و فقط دارم سؤال می‌کنم که آیا این اتفاقات افتاده یا نیفتاده که البته افتاده‌است و الان مشخص است. هر چند من با رفتار کسی که شکایت کرده کاملاً مخالف هستم، ولی در مورد این اتفاقی که افتاده نیز قوه قضائیه مانند سایر شکایاتی که به آن ارجاع می‌شود، موظف است بررسی و رسیدگی کند.

نظر شما در خصوص تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات کانون وکلا چیست؟

چیزی که من شنیدم نمی‌دانم درست است یا نه ولی ممکن است خود من جزو افرادی باشم که مورد تأیید نظام نبودم، اما تأیید صلاحیت شدم به دلیل اینکه صلاحیت من را به درستی بررسی نکردند. من هیچ مخالفتی ندارم، بالاخره یک نظامی با یکسری از قوانین وجود دارد که می‌گوید کسی که می‌خواهد برود در حوزه ریاست کانون وکلا به عنوان اینکه موافق یا معاند نظام است یا صلاحیت‌های لازم را دارد باید صلاحیت‌هایش بررسی شود. حالا براساس چیزی که من شنیدم در این دوره انتخابات تأیید صلاحیت‌ها به درستی انجام نشده‌است.

یعنی چه که به درستی انجام نشده‌است؟

بر اساس چیزهایی که من شنیده‌ام نهادهایی که بررسی صلاحیت افراد را انجام می‌دهند، گزارش‌هایی را داده‌اند، ولی به آن گزارش‌ها توجهی نشده‌است. اگر چنین چیزی اضافه بر قبلی باشد، یعنی تخلف انتخاباتی انجام شده و نهادهایی هم گزارش‌های خودشان را داده‌اند و در بررسی‌ها، نظرات این نهادها لحاظ نشده به نظر می‌رسد کار بدتری در حال انجام است.

نظر شما درباره مطرح کردن مسائل انتخابات کانون وکلای مرکز در رسانه‌های بیگانه چیست؟

هر چند اینطور نیست، ولی فرض کنید رأیی که صادر شده قانونی نیست. حالا فارغ از همان عرض اولم که ما نباید خبر خانواده را به بیرون از خانواده می‌بردیم که متأسفانه فردی این کار را انجام داده‌است ولی آیا ما می‌توانیم به خودمان این اجازه را بدهیم که با شبکه‌های معاند که برای ایران دردسرساز هستند مصاحبه کنیم و آتش آن را بیشتر کنیم و بخواهیم مشکل را از طریق غیر روابط حقوقی حل کنیم!

ما وکیل دادگستری هستیم و کار وکیل دادگستری این است که امری را به لحاظ قانونی پیگیری کند، اگر قانون ایراد دارد، برویم راجع به قانون با نهادهای ذیربط صحبت کنیم و بگوییم این قانون ایراد دارد، دلایلمان را ایراد و سعی کنیم قانون را عوض کنیم و اگر قانونگذار به معنای کسی که دارد قانون را اجرا می‌کند، آن را بد اجرا می‌کند، برویم با او صحبت و مذاکره کنیم و بگوییم که شما دارید قانون را بد اجرا می‌کنید، وظیفه ما این است.

ارتباط با نهادهایی در بیرون از کشور و دامن زدن به شکل غیرقانونی زشت‌تر از کاری که نفر اول انجام داده، آیا نیست و چطور این افراد به خودشان اجازه می‌دهند که چنین کاری را انجام دهند. این خیلی بدتر است و اگر آن کار قبیح است، این قبیح‌تر است. ما موظف هستیم اگر قانون ایراد دارد، اگر قانون‌گذاری ایراد دارد یا اگر اجرای آن ایراد دارد، به طور قانونی پیگیری کنیم ما ادعای الیت بودن داریم، ما ادعای لیدر بودن داریم، ما ادعا داریم که باید قانون را به درستی اجرا کرد، حال آیا این روابطی که با مصاحبه‌ها انجام می‌شود، واقعیت جامعه ماست و واقعیت رفتاری است که ما باید انجام بدهیم، به نظر من که نیست.

خب شاید حرف این افراد نیز این است که ما از طریق داخل به نتیجه نرسیده‌ایم و برای همین به سمت خارجی‌ها رفته‌ایم.

اولاً مگر اقدام کردیم و به نتیجه نرسیدیم! ثانیاً فرض کنید اقدام کردیم و نشد، آیا این مجوز می‌شود که برویم با شبکه‌های خارجی مصاحبه کنیم و به خارج از ایران برسانیم که بیایید ببینید چه اتفاقی در ایران افتاده‌است. سؤال بعدی این است که اگر همین انتخابات تأیید می‌شد، آن موقع خیلی خوب بودند و همه چیز خیلی درست بود! یعنی انتخاباتی که من به صراحت می‌گویم و پای آن هم هستم که رفتار انتخاباتی خیلی از این دوستان در آن غلط بوده و فیلم‌هایش هم موجود است که روز انتخابات تبلیغات کرده‌اند، درست بوده است! حالا اگر دادگاه انتظامی قضات این رفتار غلط انتخاباتی را تأیید می‌کردند همه چیز گل و بلبل بود!

خب وقتی که تأیید کرده‌بودند همه چیز گل و بلبل بود دیگر.

آن وقت این تخلفات چه می‌شد! اصل عرض من این است که اگر این اتفاق افتاده ما خودمان مقصر هستیم. مثل فردی می‌ماند که مواد مخدر فروخته و حکم اعدام برای او آمده‌است، حالا این می‌خواهد بگوید چرا قانون‌گذار برای این جرم حکم اعدام گذاشته، چرا یک جانی را اعدام می‌کنند! خب آقا نمی‌کردی تا این اتفاقات هم نمی‌افتد. یعنی رفتاری که دارد انجام می‌شود، از رفتار آن فردی که شکایت کرده بدتر است، هر چند او کار قانونی انجام داده ولی کار غیراخلاقی کرده که خبر داخل کانون را به بیرون برده‌است، ولی کسانی که الان دارند این کارها را انجام می‌دهند به مراتب دارند کار بدتری از او انجام می‌دهند.

برخی مدعی هستند اتفاقی که افتاده فقط یک تخلف انتظامی بوده‌است.

اولاً که فقط یک مورد نیست و موارد بسیاری بوده‌است، ثانیاً اگر در قانون داریم که دادگاه انتظامی قضات باید به این موارد و شکایات در این خصوص رسیدگی کند و اگر تخلفی را دید، آن رأی را باطل کند و اگر چنین موردی وجود دارد، دادگاه انتظامی قضات باید مطابق قانون رأی بدهد. حالا در مورد اینکه مطابق قانون چرا اینگونه است، می‌شود رفت کارهای دیگری انجام داد و می‌توانند بروند قانون را اصلاح کنند، ولی اگر رفتار ما غلط است ما رفتارمان را اصلاح کنیم.

من دیدم دوستی نوشته‌بود سال‌های قبل مثلاً ۵۰ یا ۷۰ سال پیش وکلای کانون وکلا آنقدر وزن در جامعه داشتند که دولت و مجلس اگر می‌خواست قانونی را تصویب کند از وکلا مشورت می‌گرفت و وکلا تأثیرگذار بودند؛ می‌خواست بگوید الان که این نیست نشان می‌دهد که دولت ایراد دارد، ولی عرض من این است که آیا دولت ایراد دارد که از اینها به تنهایی مشورت نمی‌گیرد یا ما هم ایراد داریم که آنقدر وزن و شرافت خودمان را نادیده گرفته‌ایم که دولت هم به ما اعتنا نمی‌کند! بالاخره باید تکلیف مشخص شود، بالاخره یک نفری مثل من که جزو ۱۲۵ نفر تأیید صلاحیت‌شده انتخابات کانون است و یک تعدادی رأی هم آورده‌ام، اگر بروم در جایی که مانند تونل وحشت درست کرده‌اند، گدایی رأی کنم، آیا اصلاً و اصالتاً من لیاقت و صلاحیت اسم وکیل را دارم تا چه رسد به اینکه ادعای ریاست کانون را هم داشته‌باشم. البته همه افرادی که رأی آوردند، در این تونل نبودند، ولی تعدادی از آنها بودند و این کار، کار سخیف و زشتی است.